

# مبلمان شهری از منظر و هویت شهر

امیر زاهدی یگانه<sup>۱</sup>

راضیه قدرجانی<sup>۲</sup>

## چکیده

در طراحی مبلمان شهری، باید ارسال پیام برای شهروندان با توجه به زبان و شیوه خصیصه های فرهنگی و هویت هر جامعه باشد، تا برای شهروندان قابل ملموس تر بوده و ارتباط بصری ایجاد کند و در طراحی مبلمان شهری تطابق بین فرم و عملکرد که مکمل هم می باشند، حائز اهمیت است و اینکه این طراحی چگونه و در چه مکان هایی، با توجه به هویت شهر و جامعه طراحی شوند، خود نگرشی مهم برای آیت م های است که ما در طراحی مبلمان شهری انتخاب می کنیم. در این راستا می توان به المان های درون شهر و پارک ها اشاره کرد که نقش موثری در القاء هویت شهری و تقویت حس مکان شهروندان داشته و باید طوری طراحی شوند که خوانایی آن ها از سوی شهروندان و هماهنگی طرح آن ها با وقایع و اتفاقات آن مکان سازگاری داشته باشند و این مستلزم آن است که به نقاطی از قبیل ایست ها و مکث ها، گذرها، آمد و شدهای جمعیتی توجه داشته باشیم تا تطابق بین فرم و عملکرد را در طراحی رعایت کرده باشیم، این مقاله سعی بر آن دارد تا به بررسی مبلمان شهری از حیثه منظر شهری و هویت شهری بپردازد چرا که فضاها و محیط های انسان ساخت خود نماد آینه ای است که هویت شهری را منعکس می کند.

**کلید واژه:** منظر شهری - هویت شهری - ارتباط بصری - المان شهری

---

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

۲- دانشجوی کارشناسی شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

انسان زمانی انسان می گردد که دارای هویت باشد و بتواند از منیت خود حرفی داشته باشد و این نیز ریشه در فرهنگ آن جامعه ای دارد که انسان در آن زندگی می کند، پس باید با آن آشنا شود و با بهره گیری از آن، هم خود و هم جامعه خود را باور کند. امروزه در سراسر جهان، طراحی محیط و مبلمان شهری در حیطه هویت و فرهنگ جامعه و شهروند می باشد و در کشور ما نیز طراحی مبلمان شهری حول محور باورها، دیده ها و فرهنگ جامعه ماست. در واقع طراحی مبلمان شهری از اندیشه ها و هویت یک جامعه برخاسته، به طوری که با هنر و خلاقیت ادغام شده و به گونه ای جاودان و ماندنی می شود که، بر همه اقشار جامعه نیز تأثیر گذار گردد. بنابر آنچه بیان شد اولین نقشی که برای طراحی مبلمان شهری قائل می شویم، همان برقراری ارتباط بصری مناسب بین طرح و انسان است و یا به زبانی دیگر، همان ارتباط بین مبلمان شهری و هویت انسان می باشد و در دومین نقش خود، وظیفه زیباسازی محیط را بر عهده می گیرد چرا که انسان زیبا پسند است و همین ویژگی در المان های شهری باعث آرامش انسان می شود.

### تعریف مبلمان شهری:

مجموعه اجزایی که در فضاهای شهری چیده می شوند و به استفاده عموم جهت رفع نیازهای زیست محیطی می رسند و منظر و هویت شهری را، تحت شعاع قرار می دهد، مبلمان شهری گویند. نقش اصلی مبلمان شهری در سطح خیابان ها و فضاهای شهری ایجاد مکانهایی است که زبان ناطق هویت انسان و منظر شهری مطلوب، باشد. دکتر «سید امیر منصوری» استاد دانشگاه تهران، صاحب نظر در حوزه شهرسازی و مسئول بخش معماری منظر دانشگاه تهران در این باره میگوید: «مبلمان شهری مثل هر عنصر دیگری در سیمای شهر تاثیرگذار است و باید در این حوزه با طراحی و برنامه ریزیهای دقیق، متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم مردم حرکت کرد.

مبلمان شهری خود انواع مختلفی دارد که هر کدام، از حیطه طراحی شهری، در راستای هویت شهر و سیمای آن گام بر می دارد و آینه ای از فرهنگ شهر است، که از انواع این مبلمان می توان به صندلی ها و نیمکت ها، ایستگاه های اتوبوس، سطل های زباله، بیلبوردها و تابلوهای آگهی، المان ها و نمادهای شهری و ... اشاره کرد، که خصوصیات منحصر به فرد هر کدام از این مبلمان ها نیز از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که با طراحی درست و مناسب

هر کدام از آنها با توجه به خصوصیات و نحوه مکانیابی مناسب آنها، می توانند در جهت تأمین نیاز شهروندان و القاء هویت آنها نقش مؤثری را ایفا کنند. آقای مصطفی ماجدی در مقاله ای در رابطه با مبلمان شهری چنین می گوید: اجزای مبلمان شهری، دو ویژگی اساسی دارند: کارکردی بودن و زیبایی، که در صورت داشتن هر دو ویژگی، می توانند نیاز عملکردی و بصری شهروندان را همزمان برآورده سازند. البته این امر، مستلزم در نظر گرفتن مقوله های متعددی در طراحی اجزای مبلمان شهری است که نه تنها رنگ، هماهنگی با محیط پیرامون، دوام، ایمنی، و اقتصادی بودن آنها مورد نظر است، بلکه باید از نظر عملکردی، جانمایی مناسبی در سطح شهر داشته باشند تا بتوانند پاسخگوی نیاز شهروندان باشند. (۱)

از خصوصیات مهم اجزای مبلمان شهری وابسته بودن آنها به فرهنگ است. اینکه هر کدام از مبلمان شهری را در کجا قرار بدهیم و این چیدمان چقدر با استانداردهای تکنیکی که در فضای عمومی بکار می بریم، مطابقت دارد خود نگرشی که باید مورد تأمل قرار گیرد. در طراحی شهری، چگونه مبلمان فضاهای شهری از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ برای مثال، چطور خیابان ها را از روشنایی مطلوب برخوردار کنیم و آیا نشانه های شهری و تابلوهای راهنما خوانا هستند و یا در مورد ایستگاههای اتوبوس، که یکی از مهمترین اجزای مبلمان شهری محسوب می شود و نقش مهمی در فرهنگ شهرنشینی دارد، باید طوری طراحی شوند که جذابیت آنها، شهروند را به استفاده از آن راغب کند و میدان دید مناسبی را داشته باشد بدین معنا که برای شهروندان حتی با کمی مسافت قابل شناسایی باشند، البته شایان ذکر است، ایستگاه های اتوبوس بهترین مکان برای تبلیغات مورد نیاز شهروندان می باشد، که این تبلیغات باید قابل فهم بوده و محدود به ضرورت ها شوند. در کل، اجزای مبلمان شهری باید طوری در فضا مکانیابی شوند که فضاهای شهری به عنوان فضای تنفسی و تعامل حوادث اجتماعی برای شهروندان باشد.

"فضاهای باز شامل جزئیات و اجزاء گوناگون ساخته دست بشر است، مانند مکان های نشستن، علائم و تابلوهای راهنما، مبلمان، چراغ های روشنایی، سطل های زباله و غیره... در طراحی بافت کف، پله ها و نیمکت ها که می بایست به خوبی دیده شوند، لازم است بیشتر دقت شود. طراح علاوه بر اینکه فرم و شکل آن ها را طرح می کند، می بایست از میزان کارکرد آن ها نیز اطلاع داشته باشد این مسئله در مورد علائم و نشانه های خبری که در

قالب تابلوهایی در معرض دید عموم قرار می گیرند نیز صادق است. به طوری که این علائم، باید کاملاً قابل رؤیت و متضاد با دیگر عوامل محیط و در عین حال با کل طرح هماهنگ باشند.

طراحی و اجرای مکان های مناسب برای نشستن در فضاهای باز مسکونی سبب ایجاد جذابیت و استقرار فعالیت های مختلف در این فضا ها می شود. این فعالیت ها برای کیفیت فضاهای باز در یک شهر یا ناحیه مسکونی آنقدر حیاتی هستند که قابلیت دسترسی به امکانات مناسب نشستن یا نبود این امکانات را باید به عنوان یکی از مهم ترین عوامل لازم برای ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی مورد توجه قرار داد." (۲)

### تعریف هویت و تأثیر آن بر طراحی مبلمان شهری :

"کالن" هویت را چنین تعریف می کند: توجه به شخصیت فردی هر محیط و پرهیز از یکنواختی و مشابهت در محیطهای شهری. در تعریف "جیکوبز" هویت محیط در ارتباط با فعالیتها و زندگی در فضاها و عرصه های عمومی تعریف می شود. "راپاپورت" هویت را خصوصیتی از محیط تعریف می کند که در شرایط مختلف تغییر نمی کند و یا خصوصیتی که موجبات قابلیت تمیز و تشخیص عنصری را از عناصر دیگر فراهم می آورد. تعریف "الکساندر" از هویت محیط اینست: هویت محیط حاصل ارتباط طبیعی و منطقی فرد با محیط است و این ارتباط و احساس تعلق خاطر بوجود نخواهد آمد مگر آنکه فرد قادر به شناخت عمیق محیط و درک تمایز آن از محیطهای دیگر باشد. به عقیده "پروشانسکی" هویت محیط زیر ساختی از هویت شخص است که از شناخت های ذهنی فرد از دنیای کالبدی که در آن زندگی می کند تشکیل می شود. از نظر "لالی" هویت فرد در ربط و نسبیّت با محیط بدست می آید(۳).

از تعریف این بزرگان، هویت را می توان اینگونه تعریف کرد؛ حس ها و تعلق خاطرهایی که فرد از محیط اطراف خود دارد و کیفیت ها و توقعات متفاوتی را در ذهن بوجود می آورد که دست آوردی همچون خاطرات را دارد و نقش مؤثری را در طراحی مبلمان شهری ایفا می کند، چرا که این هویت است که طراحی هر یک از المان های شهری را منحصر به فرد می کند و به آن کالبد معنا را می بخشد. همانطور که از نظر کوین لینچ (برنامه ریز و معمار آمریکایی) هویت و ساختار، تظاهر عینی معنی هستند و در کنار آنها سازگاری، خوانایی و شفافیت، کیفیت هایی می باشند که برقراری پیوند میان فرم شهر و سایر ابعاد زندگی را ممکن می سازد. آقای کامران کشمیری در مقاله ای

از خود در مورد هویت شهری چنین می گوید: از آنجایی که «هویت»، مجموعه‌ایی از صفات و مشخصاتی است که باعث «تشخص» یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر می‌گردد؛ شهر نیز به تبعیت از این معیار، شخصیت یافته و مستقل می‌گردد. هویت در شهر به واسطه ایجاد و تداعی «خاطرات عمومی» در شهروندان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده و شهرنشینان را به سوی «شهروند شدن» که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد، هدایت می‌کند. پس هرچند که هویت شهر خود معلول فرهنگ شهروندان آن است؛ لیکن فرآیند شهروندسازی را تحت تاثیر قرار داده و می‌تواند باعث تدوین معیارهای مرتبط با مشارکت و قضاوت نزد ناظران و ساکنان گردد. (۴)

در واقع این هویت است که از طراحی مبلمان و المان شهری رمز گشایی می‌کند و آنها را برای درک و خوانایی بهتر قابل پذیرش می‌کند. بیان این مطلب خالی از لطف نیست که بدانیم همین خاطرات جمعی و فردی ناشی از هویتی، که در طراحی مناسب المان‌ها و مبلمان شهری ایجاد می‌شود به نسل‌های بعد منتقل شده و در واقع کمک شایانی به حفظ هویت شهروندان، که خود نقش بسزایی در حفظ هویت شهری ما نیز دارد، می‌کند. همخوانی طراحی مبلمان شهری با هویت شهروندان و محیط‌های شهری از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که همین همخوانی‌هاست که ارتباط بین طرح و محیط را برقرار می‌سازد و همین باعث سیما و منظر شهری مطلوبی از دید ناظر می‌شود به گفته‌ی حسن فتحی (معمار مصری): بدبختانه، چشم آدمی مانند گوش حساس نیست؛ وقتی صدای ناهنجاری می‌شنویم، ناخودآگاه از جا می‌پریم ولی هنگامی که چشمانمان تناسبی ناهنجار و ناهماهنگ با محیط، را می‌بیند، یکه نمی‌خورد مثلاً دردمان نمی‌آید. کاش چشم‌هایمان هم مثل گوش‌هایمان حساس بود، پس در طراحی مبلمان شهری باید به عاملی مهم چون خوانایی و سازگاری با محیط نیز توجه زیادی کرد چرا که خوانایی در طراحی مبلمان و المان‌های شهری احساس امنیت شهروندان را بالا می‌برد و حالت ابهام را از آنها دور می‌سازد و به شناخت بهتر محیط و تصویر ذهنی از آن کمک بسزایی می‌کند و توجه به این عوامل، منظر شهری را نیز، تحت تاثیر خود قرار می‌دهد.

بر طبق گفته تاملینسون: هویت فرهنگی به عنوان نتیجه سالها و قرن‌ها زندگی اجتماعی و تعامل حیطه‌های جغرافیایی است، به این منظور که این حیطه‌های جغرافیایی تشکیل شده از پیوستگی طبیعی با گذشته‌اش، در واقع

یک نتیجه فرهنگی از میراث‌ها و آثار دست‌نخورده که به مردم تعلق دارند. (۵)

"طراحی شهری به عنوان محوری ضروری برای سیاست های طراحی در نسل جدید اسناد توسعه نواحی، منطقه ها، شهرها و روستاها وارد شده است و مفهومی ورای اصلاح و زیباسازی ظاهر خارجی فضای بین بناها را دارد و از مفاهیمی صرفاً آرایشی و زیبایی شناسانه ی گذشته و وارد تمامی جنبه ای زندگی انسانی در محیط خارجی انسان گشته است، که شامل نیازهایی چون هویت، حس تعلق، ایمنی و امنیت، خلاقیت، ارزش نفس و زندگی در محیط های سالم و پایدار می باشد. طراحی شهری در تمام مراحل و زمینه های طرح های توسعه در هر سطح و مقیاس عمل که باشد موظف به تأمین این نیازها و متولی تحقق کیفیت ها است." (۶)

### مقیاس طراحی :

"اصولاً طراحی ابعاد مختلفی دارد. از طراحی شیئی ساده، نیمکت یا باجه تلفن که در فضای شهری قرار می گیرد، تا طراحی منطقه همه موضوع بحث طراحی است، با این تفاوت که طراحی در مقیاس کوچک مفهومی محدود دارد، محصول آن مشخص است و خواسته های طراح بیشتر مبتنی بر مواردی مانند راحتی، زیبایی، دوام و صرفه اقتصادی است، اما طراحی در مقیاس شهر و منطقه مفهومی وسیعتر پیدا می کند و در اینجا نتیجه کار نه بر اساس طرح های قطعی، بلکه بر پایه طرح های انعطاف پذیر و مبتنی بر رهنمودهای مشخص قرار می گیرد که با محاسبه عوامل مؤثر سیاسی و اجتماعی \_ اقتصادی به صورت مدام در طول زمان شکل می یابد و لذا صورت فرآیند به خود می گیرد. در واقع فرآیند طراحی یک خانه پیچیده تر از فرآیند طراحی یک نیمکت و طراحی یک شهر دشوارتر از طراحی یک خانه است." (۷)

"برنامه طراحی شهری با محتوا و مقیاس های مختلف، در انطباق با اهداف طراحی مورد نیاز، تدوین می گردد. در مقیاس شهری، سطح کلان برنامه طراحی شهری در برگیرنده گستره شهر و حیظه مناظر طبیعی پیرامون آن است. تأکید این مقیاس از برنامه ریزی کالبدی بر معیارهای ساختاری، حفظ کیفیت های محیطی در منظر شهری، ساختار کلان بصری و سازمان کالبدی شهر است. ضوابط کنترل در این مقیاس طراحی شهری، دارای محتوای راهبردی است. سطح خرد طراحی شهری دربرگیرنده یک حوزه توسعه است که نیازمند تعیین تکلیف ساختار کالبدی برای آن است. این سطح از برنامه طراحی شهری بر سازمان کالبدی تأکید دارد. آرایش کالبدی فضاها پر و خالی و ایجاد محصوریت های کالبدی در فضاها باز تعریف نشده بر اساس کیفیت های محیطی فضاها، وجود ابنیه

نمادین، نشانه‌ها، جداره‌ها و همچنین آرایش و استقرار عناصر سازمان کالبدی در آن‌ها از مهمترین اهداف سطح فوق از برنامه طراحی شهری است." (۸)

وقتی از دور به آبنمایی که فواره‌هایش با نورهای خوشرنگ و صدای آب مزین شده نگاه می‌کنیم ناخودآگاه قدم‌هایمان به سمت آن برداشته می‌شوند تا بر روی نیمکتی راحت که با فضای سبز اطراف آن محصور شده بنشینیم و نظاره‌گر فضای دلپذیری شویم تا لحظه‌ای از دنیای ماشینی دور شویم و به آرامش روحی و فکری برسیم و اگر زباله‌ای در دست داریم به اولین سطل زباله‌ای که با طراحی درست و جانمایی مناسب که در مسیر راه‌ها تعبیه شده می‌رسیم و آن را می‌اندازیم یا اگر در شب در خیابانها و کوچه‌ها قدم می‌زنیم، آنقدر روشنایی و نور این فضاها خوب هستند که احساس امنیتی که در روز از این مکان‌ها داریم، در شب نیز همراهمان باشد.

آیا اینها توقع زیادی هستند؟

به راستی چه عواملی از طراحی مبلمان شهری بر سیمای و منظر شهر، مؤثر است؟ و چرا هنوز مکانهای کم‌اهمیت با مناظر نازیبا، به لحاظ نبود مبلمان مناسب و یا عدم رعایت طراحی خوب وجود دارد؟ آیا ما شهروندان نیز در این امر دخیل هستیم، یا فقط مسئولان را زیر سنگینی علامت سؤال قرار می‌دهیم؟

در طراحی مبلمان شهری باید عوامل غیر ضروری و نادرست حذف شده و اتکا بر نکات ضروری و برجسته بیشتر شود تا راهنمای مردم به ساده‌ترین شکل، برای بیان هویت آنها شوند چرا که همین مبلمان شهری با طراحی درست می‌تواند تأثیر بسزایی بر بالا بردن سطح فرهنگ جامعه، زیباسازی محیط و هماهنگی بین فرم و عملکرد طرح را داشته باشد. پس می‌توان این‌طور برآورد کرد که عوامل ضروری در طراحی مبلمان شهری از حیث منظر و هویت شهری چنین‌اند: سادگی و بی‌پیرایگی، مناسب بودن مقیاس آنها نسبت به محیط و فضای اطرافشان، ترکیب درست آنها با فضا و احجام اطرافشان، دسترسی، مکانیابی مناسب و میدان دید مناسب می‌باشد.

خانم مژگان کاوه در مقاله‌ای در این زمینه چنین می‌نویسد: مبحث مبلمان شهری در کنار رفع نیازهای مادی گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از فضاهای شهری؛ به بعد زیباشناسانه آن نیز باید پردازد و این زیبایی بیش از هر چیز حاصل هماهنگی؛ وحدت و تنوع؛ تکرار شونده‌گی و انعطاف‌پذیری عناصر دخیل در طراحی شهری است. چه در غیر این صورت نابه‌سامانی و بی‌هدفی که امروز به دلیل پراکنده‌کاری و خودمحورها به اصطلاح صرفه‌ی

اقتصادی و نبود الگو و ضوابط مناسب و استاندارد شده برای این عناصر؛ بروز کرده چهره شهر را مخدوش نموده و راه گشا نیست. (۹)

که البته لازم به ذکر است، در طراحی مبلمان شهری عدم توجه به عامل زیبایی بر منظر شهری تأثیر می گذارد البته نباید طراحی مبلمان شهری را سلیقه ای کرد و بهتر است فاکتورهای مؤثری مثل توجه به اقلیم و آب و هوا، فرهنگ و سنت های اجتماعی و مکانیابی و موقیت آنها را مد نظر گرفت. در طراحی مبلمان شهری شاید تفاوت هایی از نظر ساختاری بین آنها وجود داشته باشد اما همه این تفاوت ها و تمایزها در یک سری از جزییات با هم اشتراکاتی دارند که باعث پایداری و منسجم شدن آنها نسبت به هم در فضاهای شهری می شوند.

"برای طراحی پروژه های شهری که بیشتر روی افزایش و نگهداری مکان و هویت مکان تمرکز دارد و توانایی روبرو شدن با رقابت جهانی شدن را دارد، تغییراتی آشکار را می بینیم؛ مثل رامبلاس در بارسلونا جایی که جهانی شدن تغییرات چشم گیری را ایجاد می کند و بزرگترین رقابت این است که بین هویت شهری قابل تحمل و جهانی شدن تعامل ایجاد کنند و در واقع قابل تحمل بودن این مکان ها به یک سری عوامل که هویت و کیفیت و توانایی زندگی شهری نیز در آن دخیل هستند، بستگی دارند" (۱۰)

"برای پیوند منطقی فضای جریان ها- جهانی و فضای مکان ها- محلی، باید بر محلی ماندن مکان ها تأکید نمود؛ محلی بودن به مفهوم کلی حفظ و ارتقاء تاریخ، سنت و فرهنگ مکان خاص مورد نظر در مقابل فضای همگانی جهانی. به این ترتیب اگر شهر را بستر و مکان جریان فرهنگ و اقتصاد جهانی در نظر بگیریم، انواع روش های جدید تاریخ گرایانه و متکی بر سنت ها و فرهنگ ملی کشورها می تواند جنبه های محلی مکان و یا فضای مکان را تقویت نماید.

با تصور ساختار فضایی شهر جهانی متشکل از فضای عملکردی جهانی و هسته های شهری با عملکرد های غالب روزمره و عادی شهروندی، باید دید که فضای جریان ها و فضای مکان ها با ساختار فضایی شهر جهانی چه ارتباطی می یابد و ارتباط طراحی شهری با آن ها چیست؟" (۱۱)

### المان های شهری:

المان های شهری از اجزای مهم مبلمان شهری می باشند که می توانند در ارتقاء حس مکان و هویت شهروندان تأثیر



بسیاری داشته باشد و بهتر است از نظر گرافیکی طوری طراحی شوند که با محیطی که در آن هستند به صورت منطقی و بصری ترکیب شده و از این ترکیب سبب بوجود آمدن علائمی شوند که بطور مؤثر با مردم ارتباط برقرار کنند و از آن جمله می توان به مجسمه ها و نمادهای درون میدان ها و خیابان ها اشاره کرد، که طراحی درست و مناسب آنها حائز اهمیت است، در واقع این حرکت در صورتی می تواند به خوبی هدایت شود که در حیطه هویت و منظر شهری گام بردارد و این مستلزم آن است که طراحی این مجسمه ها در کانون توجه شهروندان و آمو شدهای جمعیتی اعمال شود، چرا که در این مکان هاست که می تواند حرفی برای گفتن داشته باشد و چه بهتر آنکه، فرم این مجسمه ها و نمادها با عملکردشان که القاء هویت شهروندان است، سازگاری داشته باشد مثلاً بنا نهادن یک مجسمه از یک شخصیت تاریخی در میدانی که با آن مجسمه مانوس باشد و خاطرات و وقایع گذشته را برای شهروندان آن محیط القاء کند که در همین حیطه دو عامل مهم تأثیر گذار است، یکی زیبایی آن است چرا که در وهله اول، نما و ظاهر یک شیء بنظر می آید و این زیبایی را که با هنر آمیخته می شود به سادگی و بدون ابهام برای تمام اقشار جامعه به پرده بکشیم و دومین عامل مؤثر در این طراحی ها، مقیاس و موقعیت مکانی مناسب این المان ها است که با چه مقیاس و در کجا قرار می گیرد، مثلاً در نشان دادن عظمت و اهمیت زیاد یک شخصیت و یا یک حادثه می توان آن را با مقیاس بزرگ و یا بر فراز ستون های بلند به تصویر کشید که ارتباط بصری مناسبی را با بیننده داشته باشد. بیان این مطلب بی ثمر نیست که بدانیم مضامین این المان ها و مجسمه ها با جانمایی و چیدمانشان در شهر از جمله نکات مؤثر در القاء حس مکان آن منطقه می باشد، برای مثال مجسمه ها با مضامینی چون عاطفی، مذهبی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی، ادبی و علمی و ... می باشد، که طراحی درست و جانمایی مناسب آنها علاوه بر اینکه به ارتقاء کیفیت منظر و هویت شهری می انجامد می تواند در راستای بالا بردن سطح آگاهی و دانش مردم ایفای نقش کند، حتی برای کسانی که برای اولین بار با آن المان روبرو می شوند، خود نیز می تواند در خلق هویت جدید برای آن فرد کوشا باشد و با دیدن بار دوم آن خاطره ای را در ذهن آن عینیت بخشد.

"امروزه تجربه و کاربرد عناصر شهری نشان داده که استفاده از تجهیزات و مبلمان مناسب تا چه حد می تواند اثر مثبتی بر روی شهروندان و استفاده کنندگان از محیطهای شهری داشته باشد. بطور مثال طراحی نشیمن مناسب به

مردم این امکان را می دهد که در فرصتهای لازم از نشستن و دیدن فضای شهری لذت برده و حتی ارتباط اجتماعی و کلامی با یکدیگر برقرار نمایند.

پژوهشهای شهری و زیست محیطی نشان می دهد که استفاده کنندگان و عموم مردم خواستار چند منظوره بودن تجهیزات شهری و زیباسازی هرچه بیشتر آن هستند بطوریکه بصورت یک سمبل یا نماد و حجم شهری در آمده و متناسب با طراحی زیبای اتومبیل ها و محصولات مدرن به توقعات زیبایی شناسانه مردم و نیازهای دنیای امروز نیز جواب دهد. به همین دلیل در سراسر جهان مطالعات و مسابقات بسیاری در زمینه طراحی بهینه مبلمان شهری صورت می گیرد." (۱۲)

### مشکلات:

از مشکلات عمده طراحی مبلمان شهری ما، این است که بیشتر به زیبایی مبلمان می اندیشیم تا راحتی آنها، و این باعث دور شدن فرم طرح، از عملکردش می شود و گاهی اوقات هویت یک طرح، در زیر پوشش زیبایی آن ناپدید می شود و در خیلی از مواقع جزئیات ساختاری مبلمان و کیفیت های ساختاری به دلیل دکوراسیون و زیبایی آنها کم می شوند. یکی از عمده مشکلات دیگر در بحث طراحی مبلمان شهری، بحث وندالیسم یا همان تخریب گرایی است که به معنای تخریب اشیاء و اموال عمومی است و یک ناهنجاری اجتماعی به حساب می آید و متأسفانه در اکثر کشورها، این پدیده در مقابل برخورد با مبلمان ها و المان ها به چشم می خورد. یکی از دلایل عمده این تخریب گرایان، بی هویت بودن محله های مبله شده و طراحی نامناسب مبلمان شهری است و از دلایل دیگر آن فرهنگ یک جامعه می باشد؛ و بهتر آن است در این راستا، فرهنگ سازی در جهت، درست استفاده کردن و نگهداری مبلمان شهری صورت گیرد و در واقع ایجاد فرهنگ شهروندی؛ می تواند در چگونگی استفاده از مبلمان شهری تأثیر گذار باشد.

### درک فضایی و هویت شهر :

"مردم باید قادر به درک شهرشان باشند، الگوی اساسی شهر، عملکرد های عمومی و مؤسسات آن را بشناسند و از فرصتهای موجود آگاهی یابند. در یک شهر اصیل سرچشمه پیدایش چیزها و مکان ها با شفافیت دیده می شود. این بدان مفهوم است که محیط شهری باید معانی مهم خود را فاش نماید. شهر نباید تحت سلطه یک گروه پر قدرت

واقع شود و مکان های مهم عمومی آن از انظار پنهان باشد. شهر بایستی از طریق سمبل ها بیانگر موضوعات اخلاقی جامعه بوده و شهروندانش را برای آگاهی از این موضوعات آموزش دهد.

قابلیت زندگی، هویت، اصالت و فرصت های شهری از خصوصیات مثبت محیط شهری است که باید در خدمت فرد، شهروند و واحدهای کوچک اجتماعی قرار گیرد. ساختار شهر بایستی به طور مستقیم از طریق نهادها و به طور نمادی از طریق فضاهای عمومی اش دعوت کننده و مشوق حیات عمومی باشد. فضای عمومی شهر بر خلاف فضای محله ای باید به روی تمامی اعضا جامعه باز باشد. فضای عمومی شهر محل تعامل و معاشرت گروههای مختلف مردم می باشد. محلی است که مردمان متفاوت برخورد و معاشرت می نمایند. کسی نباید از این فضا طرد شود مگر آنکه توازن حیات آن را مورد تهدید قرار دهد." (۱۳)

### نتیجه گیری:

در طراحی شهری، مبلمان و المان ها، می توانند آینه تمام نما از هویت و رویدادهای شهر باشند که در القاء هویت و فرهنگ شهر حرف اول را می زنند و بهتر است طوری طراحی شوند که به حفظ حس مکان بیانجامند، چرا که مکانی، حرفی برای گفتن دارد که هویت داشته باشد، هویتی که ناشی از آثار تاریخی و بافت های با ارزش است. پس بهتر است عمیقتر نگاه کنیم و فقط به زیبایی که به سطح طراحی محدود است توجه نکرد و به عامل عمیقتر و مهمی همچون مفهوم شهرنشینی در میان ساکنان محل، که در بافت های اجتماعی مکان ها تثبیت شده؛ نگریم. از دیگر طرح های مؤثر مبلمان شهری در راستای منظر و هویت شهر، می توان طراحی مبلمان چند منظوره را پیشنهاد داد؛ در طراحی مبلمان چند منظوره، راحتی، جهت تأمین نیازهای شهروندان تحت شعاع قرار می گیرد و به آرامش، زیبایی بصری و منظر شهری نیز کمک می کند چرا که با این نوع طراحی، هم صرفه جویی در اشغال فضا را داریم و هم می توان، چند نیاز شهروند را در عین واحد فراهم ساخت. برای مثال نیمکت هایی که عملکردشان راحتی و نشستن شهروند است طوری طراحی شوند که از نظر بصری در بهبود فضای سبز و منظر شهری کارا باشند. وجود مبلمان مناسب و با عملکرد درست، می تواند تأثیر مطلوبی بر ذهن شهروند بگذارد. (تصاویر شماره ۱)

"در شهر آتلانتا، لیوینگ والز یک کنفرانسی بود برای شهرسازی و طراحی های خیابانی که هدف از این کنفرانس چنین بود که طراحی شهری و هنر طراحی در خیابانها و دیوارهای خیابانی چگونه روی هویت شهری تأثیر

می گذارد؟ (تصویر شماره ۲) " (۱۴)

" همه طراحی‌های صندلی‌ها این خاصیت و ویژگی، نشستن بر روی آنها را دارند و در بعضی از آنها یک سری از ارزشهای عملی و کاربردی دیگری به این ویژگی افزوده می‌شود مانند: جعبه گل‌ها و بیلبورد های تبلیغاتی که در جهت آموزش و آگاهی هستند، در حالی که طراحی در این سبک مخلوطی از ترکیب مبلمان عمومی است؛ برای مثال مبلمان شهری در هونگ کنگ، اما فاقد بی‌نظمی از لحاظ نمایش رسمی این مبلمان است که می‌تواند هویت شهری منحصر به فرد هونگ کنگ را ارائه دهد. (تصویر شماره ۳) " (۱۵)

"تصویر شماره ۴ در پیوست، مبلمان شهری است که توسط طراحانی چون «کارملا بوگمن» و «راجر مارتینز» به منظور فضاهای عمومی ساخته شده‌اند. این جانمایی که در شهر آتریکت در هلند وجود دارد، تشکیل شده از سه نیمکت آلومینیومی که می‌تواند به عنوان مسیر عبور هم استفاده گردند و این مبلمان طوری طراحی شده است که می‌توانند در یک پیکره متفاوت که به طور ناگهانی عوض می‌شوند، نیز استفاده شوند. " (۱۶)

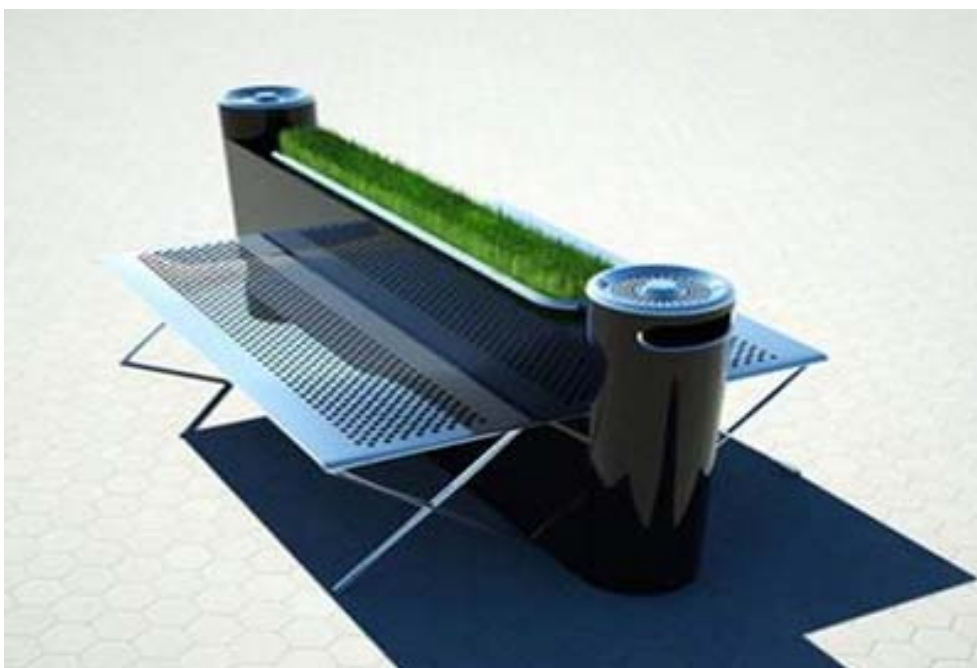
## منابع:

۱. معراجی، مصطفی: تصاویر مبلمان شهری در قم.
۲. <http://qom-photos.ir/post-۶۳.aspx>
۳. نوزدی، شعله: رهنمودهای طراحی فضاهای باز مسکونی، نشریه صفا، شماره ۱ سی و نه، نشریه علمی و پژوهشی معماری و شهرسازی دانشکده ی معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
۴. مسعود لواسانی، منا: منظر و هویت.
۵. کشمیری، کامران، بر گرفته از سایت آرچ نویز به نشانی:  
<http://www.archnoise.com/Urbanism/۱۰/urb...tity۰۲.htm>
۶. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶): مقالاتی در باب طراحی شهری، مجموعه کتابهای طراحی و برنامه ریزی، تهران، انتشارات شهیدی.
۷. توسلی، محمود- بنیادی، ناصر (۱۳۸۶): طراحی فضای شهری، فضاهای شهری و جایگاه آنها در زندگی و سیمای شهری، تهران، انتشارات شهیدی: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۸. ذکاوت، کامران: ضرورت حضور طراحی شهری در فرآیند تهیه طرح جامع، نشریه صفا، شماره ۱ سی، نشریه علمی و پژوهشی معماری و شهرسازی دانشکده ی معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
۹. کاوه، مژگان: لزوم توجه به مبلمان شهری، بر گرفته از سایت فصل نو به نشانی:  
<http://www.fasleno.com/archives/selected-subjects/۰۰۱۲۲۹.php>
۱۰. فریادی، شهرزاد: جهانی شدن (شهرها) و پیش فرض های طراحی شهری برای مواجهه با آن، نشریه صفا، شماره ۱ سی و شش، نشریه علمی و پژوهشی معماری و شهرسازی دانشکده ی معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. لاهیجی، رضا (۱۳۸۶): نگاهی تحلیلی به مبلمان شهری.
۱۲. بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۶): هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران)، تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مؤسسه نشر شهر.
۱۳. Mateus, Ana Sofia (۲۰۰۶): Outlet City Metz An Urban cultural identity based on consumption.
۱۴. Sepe, M.: integrating place ineditity, urban sustainability and globalization: a great challenge for the city of the future.
۱۵. <http://adesignmafia.com/?p=۸۳۲۲>
۱۶. <http://adesignmafia.com/wp-content/uploads/۲۰۱۰/۰۵/buffdiss۲۱.jpg>
۱۷. <http://www.dezeen.com/۲۰۱۰/۰۱/۰۸/urban-adapter-by-rocker-lange-architects>
۱۸. <http://adesignmafia.com/?p=۸۳۶۰>

این مقاله در اولین همایش ملی علمی و کاربردی گرافیک محیطی و مبلمان شهری که در آبان ماه ۱۳۸۹ در مبارکه برگزار گردید ارائه و در کتابچه مقالات همایش به چاپ رسیده و برای بازنشر به سایت انسان شناسی و فرهنگ ارائه شده است.

تصاویر:

(تصاویر شماره ۱)



تلفیق نیمکت و گلجای و سطل زبانه



تلفیق محلی برای نشستن و گلجای

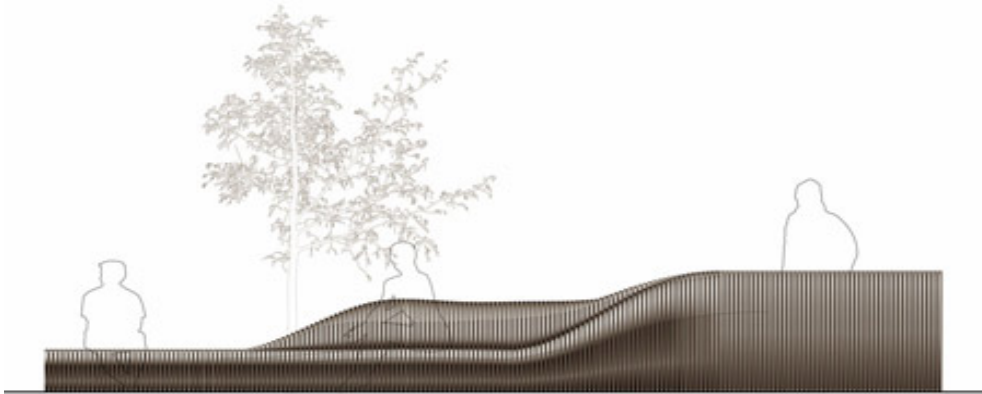
(تصویر شماره ۲)



طراحی خیابان جهت خوانایی بهتر و القای هویت

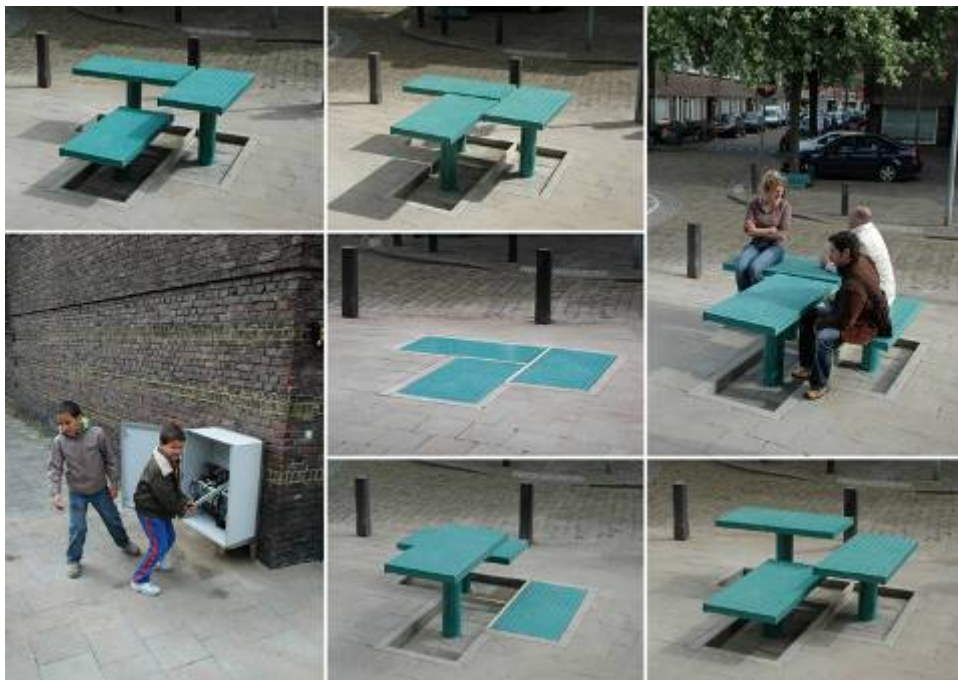
(تصاویر شماره ۳)





طراحی شکل خاصی از صندلی در القای هویت شهروندان

(تصویر شماره ۴)



طراحی مبلمانی از شهر جهت صرفه جویی از فضا و رفع نیاز شهروندان